

بحث: اصل در مقام بیان

مرحوم آخوند می‌نویسد:

«و هو أنه لا یبعد أن یكون الأصل فیما إذا شك فی كون المتكلم فی مقام بیان تمام المراد هو كونه بصدد بیانه و ذلك لما جرت علیه سیره أهل المحاورات من التمسك بالإطلاقات فیما إذا لم یكن هناك ما یوجب صرف وجهها إلى جهة خاصة و لذا ترى أن المشهور لا یزالون یتمسكون بها مع عدم إحراز كون مطلقها بصدد البیان»^۱

ما می‌گوییم:

۱. در مورد فرمایش مرحوم آخوند می‌توان نکته‌ای را مطرح کرد:
اگر شك در مقام بیان داریم، گاهی قیدی هست که جهت خاص را معلوم می‌کند (و این همان است که مرحوم آخوند اشاره کرده‌اند) و گاهی قیدی هست که جهت خاص را معلوم نمی‌کند ولی معلوم می‌کند که قیدی هست که الان نمی‌خواهد بگوید (و این «ما یوجب صرف وجهها إلى جهة خاصة» نیست، بلکه «ما یوجب صرف وجهها إلى جهة ما» است.) و گاهی هیچ قیدی مطرح نیست.
در کلام مرحوم آخوند به قسم دوم اشاره نشده است ولی در این صورت هم حمل کلام بر اطلاق ممکن نیست.
۲. ما حصل فرمایش مرحوم آخوند آن است که احراز مقام بیان اعم از احراز وجدانی و احراز تعبدی که ناشی از اصل «در مقام بیان بودن» است.
۳. مرحوم آخوند سپس اشاره می‌کنند که: «شاید علت اینکه همه اهل محاوره، اصل را اطلاق می‌دانند، آن بوده باشد که ایشان اطلاقات را دارای دلالت وضعی بر شیوع (مثل عام) می‌دانند.» و سپس از آن پاسخ می‌دهند که بعید است چنین مبنایی در میان اهل محاوره بوده باشد، و اگر چنین نسبتی هم به عرف داده شده است به خاطر آن بوده که دیده‌اند همه عرف اصل را در اطلاقات، شیوع می‌دانند و لذا فکر کرده‌اند که این به خاطر دلالت وضعی بوده است، در حالیکه علت این عمل عرف، تمسک به سیره عقلایی بوده است.

۱. کفایة الاصول، ص ۲۴۸



«و بعد كونه لأجل ذهابهم إلى أنها موضوعة للشيعاء و السريان و إن كان ربما نسب ذلك إليهم و لعل وجه النسبة ملاحظة أنه لا وجه للتمسك بها بدون الإحراز و الغفلة عن وجهه فتأمل جيدا.»^۱

كلام حضرت امام:

حضرت امام می نویسند:

«لا شبهة في أنه إذا شك في أن المتكلم هل هو في مقام بيان جميع ما هو دخيل في مراده - بعد إحراز كونه في مقام بيان الحكم - أو أنه بصدد الإجمال و الإهمال، يكون الأصل العقلائي هو كونه في مقام [بيان] تاممه، و به جرت سيرة العقلاء. نعم، إذا شك في أنه في مقام بيان هذا الحكم أو حكم آخر، فلا أصل لإحراز كونه في مقامه، فالأصل بعد إحراز كونه بصدد بيان الحكم يقتضي أن يكون بصدد بيان تمام ما يدخل في الموضوع في مقابل الإهمال و الإجمال، لا كونه بصدد بيان هذا الحكم دون غيره، فلا بد فيه من الإحراز الوجداني، أو بدليل آخر.»^۲

توضیح:

۱. اگر احراز کردیم که متکلم در مقام بیان حکم هست ولی شک داشتیم که در مقام اهمال و اجمال است و یا در مقام بیان تمام المراد (اطلاق) است:
۲. در این صورت سیره عقلا بر آن است که اصل را بر «بودن در مقام بیان تمام مراد» می دانند.
۳. اما اگر احراز نکردیم که متکلم در مقام بیان اصل حکم است، بلکه شک داریم که در مقام بیان این حکم است و یا حکم دیگری را می خواسته بگوید، در این صورت اصل عقلایی در میان نیست.
۴. و در این مواقع باید به سراغ ادله دیگری رفت.

۱. همان

۲. مناهج الوصول، ج ۲، ص ۳۲۸

